

یادداشت

استدلال حامیان جنگ علیه اوکراین



روح... سوری

تحلیگر مسائل بین الملل

در پی حمله روسیه به اوکراین و ایجاد موجی از انتقادات نسبت به موضع حمایتی ایران از اقدام نظامی روسیه، حامیان حمله نظامی روسیه به منظور توجیه این حمایت و مبتنی کردن موضع خود بر منافع ملی ایران بر موارد متعددی تأکید داشته‌اند که به نظر می‌رسد چندان خالی از اشکال نباشد. در درجه نخست آنها بر این امر تأکید دارند که ایران و روسیه در عدم گسترش ناتو دارای منافع مشترک هستند و به همین خاطر حمایت از جنگ روسیه از نظر آنها نه یک موضع احساسی یا یک موضع ناشی از در نظر گرفته شدن ملاحظات در روابط با روسیه، که موضعی بر آمده از درک درست از منافع ملی و همسوی با این منافع است. از نگاه این گروه گسترش ناتو به شرق و پیوستن کشورهایی همچون اوکراین یا بلاروس جستان بر درازمدت می‌تواند باعث به خطر افتادن منافع ملی ایران شود. نکته دیگری که حامیان موضع ایران در جنگ روسیه با اوکراین بر آن تأکید می‌کنند هم‌راستا دانستن این موضع با منافع ملی کشور در زمینه رفع تحریم‌هاست. از نگاه آنها از آنجا که حمایت ایران از اوکراین هیچ کمکی به رفع تحریم‌ها و لغو قطعنامه‌های ضد ایرانی نخواهد کرد به همین خاطر نیز هیچ دلیلی برای حمایت از اوکراین وجود ندارد. در واقع در اینجا این افراد تلاش دارند تا با گره زدن جنگ اوکراین و حمایت از روسیه با عمده‌ترین عامل مشکلات اقتصادی مردم، افکار عمومی را با موضع خود همراه نمایند. در نهایت موضوع سومی که این دسته به آن متوسل می‌شوند تلاش برای اشکار نمودن به زعم خود تناقض‌های موجود در مواضع جامعه جهانی نسبت به دیگر رخدادها از جمله جنگ عربستان و حوثی‌ها است. انتقاد از عدم همراهی جامعه جهانی با حوثی‌ها و محکوم نشدن همه‌جانبه جسته‌ها نسبت به خاطر اقدام نظامی خود علیه یمن از مهم‌ترین استدلال‌هایی است که این افراد برای درست جلوه دادن موضع ایران به آن متوسل می‌شوند. اما در پاسخ به استدلال‌های گفته شده چند نکته لازم است مورد اشاره قرار گیرد که در ادامه می‌آید: اول از همه باید اشاره کرد که اساسا ناتو در زمان شکل گیری خود پیمانی علیه بلوک شوروی بوده و اکنون هم بیشتر خطر را برای روسیه دارد و ایران در طول تاریخ شکل گیری این پیمان نظامی به هیچ عنوان در اولویت این سازمان نبوده است. برخلاف کسانی که علاقه زیادی به دشمن سازی داشته و دوست دارند که در کنار آمریکاستیزی، ناپوستیزی را نیز وارد فضای سیاسی ایران نمایند باید اشاره کرد که اینگونه تأکیدات ممکن است از نظر ذهنی توجیه گر حمایت از تجاوز روسیه باشد اما قطعا کمکی به تأمین منافع ملت نخواهد کرد. دومین موردی که باید مدنظر قرار گیرد نوع استدلال این افراد راجع به جنگ یمن است، مهم‌ترین نکته‌ای که در در ارتباط با جنگ یمن به آن توجه کرد این است که این جنگ بر خلاف جنگ اوکراین یک جنگ دو طرفه است که طی آن هر دو طرف جنگ به‌طور فعال درگیر ضربه زدن به همدیگر هستند و حتی بعضا حوثی‌ها اقدامات خود را فراتر از خاک عربستان به داخل خاک دیگر کشورهای منطقه نیز گسترش داده‌اند. مساله دیگری اینکه در بحران این جنگ طرف درگیری از نگاه حقوق بین الملل فاقد مولفه‌های لازم برای نامیده شدن به عنوان دولت است که از این نظر با بحران اوکراین که بحرانی بین دو دولت شناسایی شده و قانونی است متفاوت است. نکته دیگر اینکه اقدامات خود طرفین و حقوق جنگ طرفین در این مناقشه قطعا باید مورد بررسی قرار گیرد و مرتکب شدن عربستان به نقض حقوق بشر در این جنگ و عدم توجه غرب به این موضوع و هیچ عنوان مجوزی را برای تأیید نقض حقوق بشر توسط دیگر کشورهایی که ایران رابطه خوبی با آنها دارد به ما نمی‌دهد. نکته قابل تأمل دیگری که لازم است در آن دست گذاشته شود این است که روسیه به عنوان یک عضو دائم شورای امنیت بعضا از مواضع این شورا در محکومیت حوثی‌ها حمایت کرده که در دسترس‌ترین نمونه آن راهی مثبت چند روز پیش این کشور به قطعنامه تمدید تحریم تسلیحاتی حوثی‌ها است. دست آخر اینکه حمایت از اوکراین شاید نتواند همان‌طور زدن تحریم‌ها منجر شود، اما وجه دیگر این قضیه که این افراد چشمان خود را می‌پنندن این موضوع است که برادران روس ما تاکنون در برخورد هستان‌های ایران به شش قطعنامه علیه ما رأی مثبت داده‌اند و بخشی از تحریم‌های امروز ایران ناشی از زحمتی است که این برادران روس در شورای امنیت علیه ما متقبل شده‌اند.

دیدگاه

برجام نیازمند شجاعت و استقلال

ادامه از صفحه یک/ او غرنی ملاک ومعیار محتوم همه دولت‌ها در همه عصرها و نسل‌ها باشد افزون بر جوانان سلبی آن جوانان ایجابی‌اش هم خود یک معیار اصولی برای امتی‌ز و منش تصمیم گیران است. چنانچه امروز صلاح کشور و منافع ملی در اعراض از شرق و غرب است روزی که امنیت و رفاه و استقلال ملی در گرو تعامل سازنده با هر کشوری باشد باید آن را پی گرفت و خود را اسیر الفاظ نکرد. غرب و خصوصا آمریکا پس از انقلاب با کشور ما راساس احترام متقابل رفتار نکردند و از انواع دشمنی‌ها دریغ ننمودند ما هم هر کجا توانستیم پاسخ دشمنیشان را دادیم ولی با این همه نمی‌توان گفت که همیشه و در هر مرحله‌ای منافع ملی کشورمان روی تقابل با غرب استوار است. کما اینکه در موضوع نابودی القاعده پس از ۱۱ سپتامبر نوعی توطئه خبیثی در این جهت صورت گرفت. این یک خطر است که در روابط بین الملل غرب سبزی یک اصل باشد همان‌طور که شرق سبزی هم زمان و مکان خاص خود را دارد. اگر چنین رویکردی دارای اخطافن عتلائی نباشد قادر نخواهد بود منافع ملی کشور را تأمین کند. در بحران بزرگ اوکراین به بسا کلیشه‌های سابق کشور را تهدند و هر لحظه لازم باشد براساس واقعیت‌های میدانی تصمیمات جدید اتخاذ شوند. اکنون بی‌طرفی رسمی و گوشزد کردن خطاهای طرفین یک سیاست معقول به نظر می‌رسد ولی هر گاه یکی از طرفین به هر دلیل منافع ایران را راوتونکرد حالا هیچ انتظار اشکار و پنهانی نباید از دولت ایران داشته باشد. با آنجاا است فقط باخوشنود عریان و مکرره از امنیت آینده خود محافظت کند. این در حالی است که سخشن در مورد گسترش ناتو منطقی به نظر می‌رسید و اگر با انواع کشورها در دوستی و تعاون رفتاری کرد چه بسا حرفش از جهان خیردار زیادی پیدا می‌کرد و بدون جنگ می‌توانست دشمنانش را به چش مرمزهای غربی اوکراین متوقف کند. روشن است که طرف اصلی ما در برجام آمریکاست و ایران می‌تواند و باید با صرف‌نظر از حاشیه‌ها و تحولات دیگر، قاطعانه با استقلال و قدرت و سرعت تصمیم خویش را نشان دهد و با آمریکا توافق کند و پیش از سال‌ون عیدی ایرانیان رفع تحریم‌ها باشد.

مهدی یازوکی در گفت و گو با «آرمان ملی»:

وقت تجدید نظر در کابینه فرا رسید

نسبت به حضور مدیران ضعیف در اقتصاد اعلام خطر می‌کنم

به جز مشاایی و بقایایی همه مدیران احمدی نژاد پست گرفته‌اند

دولت به سمت اصلاحات اقتصادی حرکت کند

هر کجا مذاکره کرده ایم سود بردیم

رئییسی انضباط مالی را به اقتصاد ایران باز گرداند

برجام ر ئیسی چیزی بیش از برجام ظریف نخواهد بود



آرمان ملی – احسان انصاری: دولت برای مدیریت دوران پسا تحریم چه باید‌ها و نیاید‌هایی را باید در دستور کار خود قرار بدهد؟ آیا اراده‌ای برای تغییر و اصلاحات اقتصادی در دولت و مجموعه حاکمیت وجود دارد؟ در این زمینه کشور با چه چالش‌ها و فرصت‌هایی مواجه است؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سؤالات با دکتر مهدی یازوکی اقتصاددان گفت‌وگو کرده است. دکتر یازوکی معتقد است: «مهم‌ترین بایدی که در این زمینه باید در دستور کار قرار بگیرد تعامل با جهان برویم و از روابط بین‌المللی خود تنش‌زدایی کنیم. نکته دیگری که باید توسط دولت مورد توجه قرار بگیرد انضباط مالی است. باید دیگری که باید در دستور کار قرار بگیرد برخورد علمی با پدیده‌های اقتصادی است. چرا تا تاریخ احمدی‌نژاد را نمی‌بخشد؟ پاسخ این سؤال این است که رویکرد علمی در دولت احمدی‌نژاد کنار گذاشته شد. احمدی‌نژاد کشور را در ربع قرن به عقب برد. متأسفانه همه افرادی که در دولت احمدی‌نژاد بودند امروز در دولت رئیسی نیز حضور دارند که این نشان می‌دهد رئیسی از مدیرانی در کابینه خود استفاده کرده که در گذشته امتحان خود را به‌خوبی پس نداده‌اند.» در ادامه محصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

باشیم در شرایط کنونی آمریکا بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی جهان است. اگر ما می‌خواهیم بازار نفت را به دست بیاوریم باید شرایطی را فراهم کنیم که شرکت‌های آمریکایی بتوانند در صنعت نفت ایران سرمایه‌گذاری کنند. امروز پس از عربستان این کشور عراق است که جای ایران را گرفته و دومین کشور صادرکننده نفت در اوپک است. دلیل اینکه عراق به این مهم دست پیدا کرده این است که از تکنولوژی صدام زیربناهای پیشرفته در صنعت نفت خود استفاده کرده و موفق شده بازار را در اختیار بگیرد. عراق موفق شده سود حاصل از شرایطی اگر ایران به صورت مستقیم با آمریکا مذاکره کند منافع ملی ما بیشتر محقق خواهد شد. به‌هرحال در مذاکرات اخیر کشورهایمانند روسیه به‌عنوان واسطه در این زمینه نقش آفرینی می‌کردند که قابل‌اعتماد نیستند و ما مشاهده کردیم در زمانی که مذاکرات در حال به نتیجه رسیدن است این کشور با کارشکنی‌هایی که انجام می‌دهد تلاش می‌کند توافق را به تأخیر بیناندازد. ما به‌صورت مستقیم با آمریکا مذاکره کنیم به ضرر دشمنان ما و کشورهای رقیب در منطقه خواهد بود. برخی از کشورها از تنش بین ایران و آمریکا سود می‌برند و به همین دلیل هنگامی که ایران و آمریکا به سمت مذاکره مستقیم می‌روند تلاش می‌کنند از این کار جلوگیری کنند. ما باید سیاست‌های تنش‌زدایی را در دستور کار خود قرار بدهیم. اگر ما موفق شویم شرکت‌های آمریکایی را وارد صنعت نفت خود کنیم و از تکنولوژی آنها در پارس جنوبی استفاده کنیم به سود منافع ملی و به ضرر رقبای منطقه‌ای خواهد بود. ما باید به شکلی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی رفتار کنیم که نشان بدهیم خط قرمز ما منافع ملی ملت ایران است. همه بازیگران جهانی و منطقه‌ای به دنبال منافع خود هستند و کسی نمی‌تواند منکر این موضوع شود. در شرایط کنونی روس‌ها، چینی‌ها و آمریکایی‌ها منافع ملی خود را دنبال می‌کنند و جهت‌گیری سیاست‌های آنها به سمتی است که منافع ملی آنها را محقق کند.

«چگونه می‌توان شرایطی را فراهم کرد که شرکت‌های آمریکایی در اقتصاد ایران سرمایه‌گذاری کنند؟»

در مرحله نخست باید ایران و آمریکا به‌صورت مستقیم مذاکره کنند تا مذاکرات وین به نتیجه برسد. مذاکره مستقیم ایران و آمریکا می‌تواند شرایط ایران را برای رسیدن به توافق بهتر کند و امتیازهایی که به دست می‌آید با پیامدهای مثبت بیشتری همراه شود. این نکته را نیز گوشزد کنم که برجام دولت رئیسی چیزی بیش از برجام ظریف نخواهد بود. تجربه تاریخی توانایی کافی برای مدیریت برخوردار نیستند. من حضور افراد ضعیف و مدیران ناکارآمد را برای اقتصاد ایران یک خطر می‌دانم و معتقدم باید در این وضعیت تجدیدنظر صورت بگیرد. آن چیزی که امروز جامعه ایران به آن نیاز دارد نظام تدبیرآمیز خوب است. با توجه به پشتیبانی و حمایتی که نهادهای قدرت از دولت آقای رئیسی انجام می‌دهند اگر

این دولت قصد دارد جایگاه ماندگاری در تاریخ برای خود ایجاد کند باید به سمت اصلاحات اقتصادی حرکت کند. اصلاحات اقتصادی نیز نیازمند مدیران توانمند است که بتوانند نیاز به تغییر و تحول و اصلاحات را درک کنند. با فعالان ستاد انتخاباتی نمی‌توان در اقتصاد کشور اصلاحات به وجود آورد.

«آیا اراده و زمینه‌های اقتصادی کشور فر مان نمی‌پذیرد و کسانی که قصد دارند اقتصاد را به‌صورت دستوری مدیریت کنند اشتباه می‌کنند. اقتصاد به فضای مناسب کسب‌وکار نیاز دارد و برای اینکه فضای کسب‌وکار ایجاد شود باید شفافیت به اقتصاد ایران بازگردد و دست‌آلان و کلاهبرداران از اقتصاد ملی کوتاه شوند»

این دولت قصد دارد جایگاه ماندگاری در تاریخ برای خود ایجاد کند باید به سمت اصلاحات اقتصادی حرکت کند. اصلاحات اقتصادی نیز نیازمند مدیران توانمند است که بتوانند نیاز به تغییر و تحول و اصلاحات را درک کنند. با فعالان ستاد انتخاباتی نمی‌توان در اقتصاد کشور اصلاحات به وجود آورد.

خود را از دست بدهد هراس ندارد. به همین دلیل اگر دولت آقای رئیسی به دنبال اصلاحات اقتصادی در کشور است باید در وضعیت مدیران خود تغییر ایجاد کند. دولت باید از فرصت‌های موجود استفاده کند. اگر دولت انضباط اقتصادی را به اقتصاد ایران برگرداند و هزینه‌های غیرضروری را کاهش بدهد می‌تواند تا حدودی تورم را مهار کند. امروز دولت به نهادهایی پول می‌دهد که نباید این کار را انجام بدهد. سرمایه‌ای که ایرانیان خارج از کشور در اختیار دارند بین ۴۰۰ تا ۸۰۰ میلیارد دلار است. اگر ده درصد این پول نیز وارد اقتصاد ایران شود مشکل بیکاری در کشور حل خواهد شد و نرخ رشد اقتصادی افزایش خواهد یافت. مشکل اصلی در این زمینه تدریجی‌های داخلی هستند که محیط‌جهانی را نمی‌شناسند و با کلمه ملی و منافع ملی مشکل دارند. بر اساس تفکر اقتصاد دولتی نرخ رشد با بودجه به دست می‌آید که اشتباه است و در واقع چنین نیست. اقتصاد دستور و فرمان نمی‌پذیرد و کسانی که قصد دارند اقتصاد را به‌صورت دستوری مدیریت کنند اشتباه می‌کنند. اقتصاد به فضای مناسب کسب‌وکار نیاز دارد و برای اینکه فضای کسب‌وکار ایجاد شود باید شفافیت به اقتصاد ایران بازگردد و دست‌آلان و کلاهبرداران از اقتصاد ملی کوتاه شوند.

«در دوران پسا تحریم دولت باید چه باید‌ها و نیاید‌هایی را در دستور کار خود قرار بدهد؟»

مهم‌ترین بایدی که در این زمینه باید در

دریچه

رایزنی عراق و آمریکا درباره ایران

نخست‌وزیر عراق با معاون وزیر خارجه آمریکا در امور ایران و عراق دیدار و بر اهمیت حل مشکلات از طریق گفت‌وگو تأکید کرد. مصطفی الکاظمی با جنیفر گاولیتو، معاون وزیر خارجه آمریکا در امور ایران و عراق دیدار و رایزنی کرد. در این دیدار درخصوص روابط دوجانبه عراق و آمریکا و راه‌های گسترش همکاری‌های مشترک بحث و تبادل نظر شد. الکاظمی در این دیدار بر لزوم حل مشکلات از طریق گفت‌وگو و راه‌های مسالمت‌آمیز به منظور ایجاد امنیت و ثبات و شکوفایی در منطقه تأکید کرد. در این دیدار ماتیو تولر، سفیر آمریکا در بغداد حضور داشت. فواد حسین، وزیر خارجه عراق اخیرا در گفت‌وگو با روزنامه سعودی الشرق الاوسط در پاسخ به این سوال که آیا نگرانی‌هایی نسبت به انعقاد توافق میان ایران و آمریکا در وین نیست، گفت: خیر، اگر از طریق گفت‌وگو و مذاکرات به توافق برسند این امر بسیار خوب است. درگیری‌های ایرانی و آمریکا در زمان دونالد ترامپ بر اوضاع امنیتی و سیاسی عراق تأثیر گذاشت به همین دلیل ما خواهان حل اختلافات ایران و آمریکا از طریق توافق میان دو طرف هستیم و معتقدم که اگر توافقی حاصل شود این توافق هم به سود دو کشور و هم به سود منطقه خواهد بود.

سخن روز

دستوری مشکلات حل نمی‌شود

ادامه از صفحه یک/ آنچه دیروز در مجلس تصویب شد حکایت از آن دارد که از ۴۲۰۰ تومانی به کلی جمع می‌شود که از نظر علم اقتصاد اصل و عمل و فکر درستی است ولی در چه شرایط و کشوری؟ چون شرایط زمان و مکان در تصمیم‌گیری نقش مهمی دارد. در کشوری که اقتصاد سالمی دارد و رانت در آن کشور در حداقل است، تصمیمی درست است ولی وقتی طی ۴ ماه از روی کار آمدن با آن همه ادعا حتی قیمت سیب‌زمینی را نتوانستید کنترل کنید و قیمت یک کالا مثل برنج را نکه دارید چگونه چنین دستورهایی می‌دهید و تصمیم‌هایی اینگونه می‌گیرید؟ حذف ارز رانتی در اقتصاد سالم کار درستی است ولی در کشور ما اول باید پیش شرط‌ها مورد بررسی واقع شود و با ورود بدون راهکار باشد حتما با مشکل روبه‌رو می‌شویم. ظاهرا قرار است آقایان نهادی حساب کنند یعنی فرض ۹ میلیارد را ضربرد ۳۰ تومان کنند که مبلغ هنگفتی می‌شود. در اینصورت حدود ۶۰ تا ۷۰ هزار میلیارد تومان را به‌گندم و دارو که حساسیت بالایی دارد اختصاص می‌دهند ولی معلوم نیست به مردم می‌دهند یا به نانوالی‌ها و داروخانه‌ها. به‌همین جهت به نظر می‌رسد برنامه مدونی ندارد که شنوده آرامش پیدا کند. آیا به جای اینکه ارد بارانه‌ای به نانوالی‌ها دهد، آن را به قیمت تمام شده در اختیار نانوالی‌ها قرار می‌دهند به شرط پخت تعداد مشخصی نان که مابه‌التفاوت آن را بپردازند. سوال این است که چگونه نظارت و کنترل را در حالی که نانوالی‌ها در هند نان با هر قیمتی را دست مردم می‌دهند. آیا قرار است پول بارانه نان مستقیما به حساب همه مردم واریز شود تا در صورت افزایش قیمت نان نگران نباشند. دربارۀ دارو و چطور عمل می‌کنند؟ آیا بارانه حذف شود قیمت داروها افزایش می‌یابد و در صورتی که به داروخانه‌ها تخصیص دهند، کنترل آن سخت است. ضمن اینکه تعدادی از تصمیم‌گیران وزارت بهداشت و درمان صاحبان داروخانه‌ها هستند و حتماً دنبال سود بیشترند و در تصمیم‌گیری از نظر مالی اگر تصمیم درستی بگیرد، منضرر می‌شود لذا باید تصمیم رانتی بگیرد. معاون وزیر یا مدیر کل در وزارتخانه بهداشت نباید داروخانه داشته باشد و باید داروخانه را واگذار کنند. نایب‌رئیس دوم مجلس در سخن مجلس بیان کرد معاون وزیر را می‌شناسد که تعداد زیادی داروخانه دارد. به‌غیر از گندم و دارو حدود ۱۱۰ تا ۱۲۰ هزار میلیارد تومان هم به بقیه کالاهای اولیه اختصاص می‌یابد. در اینصورت یک کانتورز چگونه می‌تواند سو و کود خریداری کند و چگونه قابل کنترل است. امروز کارها دستوری پیش نمی‌رود و باید راهکار ارائه دهید. در دنبال راهکار باشد و همه امکانات کشور را به کار بگیرد، مدت زیادی طول خواهد کشید تا فقر مطلق از بین برود. هر چند می‌توان از اینکه بعضا دارو و شبن‌ها سر گرسنه بر زمین می‌گازند، ابراز همدردی کرد اما با دستور درستی نمی‌شود. بی‌دلیل نیست که بعضا مردم شنونده و بیننده صداسوسمیانیستند چون مسئولان رده بالا با بیان سخنان غیر کارشناسی اینتها دردی از دل مردم دوا نمی‌کنند بلکه نمک بر زخم می‌پاشند و علاوه بر آن مورد مضحکه و تمسخر قرار می‌گیرند. ولی گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله می‌گردد، ولی گوش نرسد فریاد است و آواز کاش رئیس‌جمهور می‌گفتند تعدادی از متخصصان اقتصادی را دعوت کرد و یکم‌ه فرصت داده‌اند تا بر نامه‌ای ارائه کنند و آن را با متخصصان دیگر اقتصادی تطبیق دادیم که مقرون به‌صرفه باشد. ولی به جای اینکه این کار پرزحمت را انجام دهند، «من دستور می‌دهم» را انتخاب کرده‌اند و گفتار درمانی می‌کنند. یا خبر ندارند به سر مردم چه می‌آید یا اگر خبر دارند لطفاً بر زخم مردم نمک نپاشند. مصوبه‌ای که طی آن دولت را با مالیه‌التفاوت به رسوایی زیادی متهم کردند و با این کار کالابرگ به شهروندان بدهد در حالی که مالکیت‌داری بلد نبودیم ضمن اینکه شرایط کشور با الان خیلی متفاوت بود. امروز در اکثر خانه‌ها فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و افراد تحصیلکرده کمتر پذیرای تصمیمات اینگونه هستند. همان زمان هم از کالابرگ مفاسد درمی‌آمد ولی چون مبلغ کم بود، رسوایی زیادی نداشت و آمار بیابان بالای ۱۰ هزار میلیارد و درشت‌است ولی آن زمان بسیار اندک بود چون پایه پولی در کشور افزایش پیدا نکرده بود و نقدینگی دست مردم تا حدودی مهار شده بود. سخن از کالابرگ در حال حاضر به طنز شبیه‌تر است.